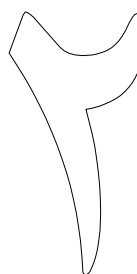


نقش سیستم دفاع موشکی
در ایجاد بازدارندگی هسته‌ای؛
بررسی رفتار امنیتی - نظامی
ایران

ناصر هادیان*

شانی هرمزی**



* ناصر هادیان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می‌باشد.

nhadian@ut.ac.ir

** شانی هرمزی پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک می‌باشد.

تاریخ تصویب: ۹۰/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۷

فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰، صص ۷۴-۴۹.

چکیده

سیاست کاهش تسلیحات هسته‌ای امریکا و تأکید بر سلاح‌های متعارف از جمله سیستم دفاع موشکی و نقش آن در بازدارندگی هسته‌ای، پرسش‌های بسیاری را در مورد اهداف و پیامدهای استقرار این سیستم به وجود می‌آورد. از جمله این پرسش‌ها آن است که آیا اساساً این سیستم قادر به ایجاد بازدارندگی هسته‌ای می‌باشد و همچنین استقرار آن، چه تأثیری می‌تواند بر رفتار امنیتی - نظامی سایر کشورها و به طور مشخص جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. بر این مبنا پرسش اصلی مطرح در این نوشتار آن است که آیا سیستم دفاع موشکی، قادر به ایجاد بازدارندگی هسته‌ای است؟ فرضیه‌ای که آزمون می‌شود این است که سیستم دفاع موشکی نه تنها نمی‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در ایجاد بازدارندگی هسته‌ای ایفا کند بلکه در بُعد پیامدها، می‌تواند به مسابقه تسلیحاتی دامن زند و سطح ناامنی و بی‌ثباتی را افزایش دهد. تحریک دشمنان و رقبای اصلی، تحریک حلقه‌های پیرامونی دشمنان و رقبای اصلی، بازگشت جریان تحریک به نقطه آغازین و احتمال برداشت تهاجمی به جای برداشت تدافعی از جمله مسائلی است که در بخش پیامدها به آن پرداخته می‌شود. از آنجا که امریکا یکی از اهداف تقویت سپر دفاع موشکی خود در اروپا را مقابله با حمله احتمالی ایران مطرح می‌کند، در پرسش فرعی چنین عنوان می‌شود که استقرار سیستم دفاع موشکی از سوی ایالات متحده چه تأثیری می‌تواند بر رفتار امنیتی - نظامی ایران بگذارد؟ در این مقاله چنین ادعا می‌شود که استقرار این سیستم به دریافت ناامنی از سوی ایران دامن می‌زند و ایران را به سمت اتخاذ «استراتژی متقابل دفاعی» و یا «استراتژی متقابل تهاجمی» سوق می‌دهد. به عبارت دیگر چه استراتژی امریکا در این اقدام تدافعی باشد - چنان‌که خود مدعی آن است - و چه تهاجمی - آنچه ایران و برخی از کشورها از آن برداشت می‌کنند - تهدید علیه امنیت کشور است و راهکاری که در قبال آن اتخاذ می‌شود «استراتژی متقابل» است.

واژه‌های کلیدی: سیستم دفاع موشکی، بازدارندگی هسته‌ای، رفتار امنیتی - نظامی ایران، استراتژی متقابل دفاعی، استراتژی متقابل تهاجمی



مقدمه

گزارش «بازنگری وضعیت هسته‌ای» امریکا، سیاست‌های هسته‌ای، استراتژی و توانایی‌های این کشور را برای ۵ تا ۱۰ سال آینده تشریح می‌کند و به عبارتی دکترین هسته‌ای جدید ایالات متحده محسوب می‌شود. طبق این گزارش امریکا قصد دارد از میزان تسلیحات هسته‌ای خود بکاهد و تقویت سیستم دفاع موشکی، را به‌عنوان عاملی برای بازدارندگی هسته‌ای در دستورکار قرار دهد.

این نوشتار قصد دارد به یک پرسش اصلی و یک پرسش فرعی پاسخ گوید. نخست آنکه آیا سیستم دفاع موشکی، قادر به ایجاد بازدارندگی هسته‌ای است؟ در پاسخ، این فرضیه عنوان می‌شود که سیستم دفاع موشکی بازدارندگی هسته‌ای اندکی ایجاد می‌کند. در واقع چنین استدلال می‌شود که سیستم دفاع موشکی نه تنها نمی‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در ایجاد بازدارندگی هسته‌ای ایفا کند بلکه در بُعد پیامدها، می‌تواند به مسابقه تسلیحاتی دامن زند و سطح ناامنی و بی‌ثباتی را افزایش دهد. پرسش فرعی آن است که استقرار سیستم دفاع موشکی از سوی ایالات متحده چه تأثیری می‌تواند بر رفتار امنیتی - نظامی ایران داشته باشد؟ این نوشتار مدعی است که استقرار این سیستم به دریافت ناامنی از سوی ایران دامن می‌زند و ایران را به سمت اتخاذ «استراتژی متقابل دفاعی» و یا «استراتژی متقابل تهاجمی» سوق می‌دهد.

چهارچوب مفهومی

هدف اولیه هر واحد سیاسی در نظام جهانی اصل بقا در نظر گرفته می‌شود. مفروض دیگر ادعا این است که دولت‌ها در تحلیل نهایی عقلانی عمل می‌کنند، یعنی بقای خود را به هر هدف دیگری ترجیح می‌دهند و دست به عملی نمی‌زنند

که نابودی آنان را به دنبال داشته باشد. البته فریب و ارزیابی اغراق آمیز از توانایی کشورها، امری متعارف در روابط بین المللی است. براساس «دریافت های تهدید»^۱ از کشور هدف، ارزیابی اغراق آمیز از توانایی آن کشور امری دور از ذهن نیست. کشورهای دارای سلاح هسته ای در مقابل کشورهای بی سلاح فاقد آن هستند از سطحی از بازدارندگی برخوردارند و امنیتشان به نحوی با این سلاح ها پیوند خورده است. وجود سلاح های هسته ای در آرایش دفاعی این کشورها از جایگاهی خاص برخوردار است. امروزه به دلیل معاهدات بین المللی و فشار افکار عمومی جهانی و هزینه های فراوان کاربرد این سلاح ها، امکان استفاده از آنها به شدت پایین آمده است. معاهده عدم اشاعه^۲ که مهم ترین سند بین المللی در این زمینه است، تضمین کننده دسترسی و تنظیم کننده چگونگی استفاده از انرژی هسته ای است. دارا بودن کشورهای هرچند معدود از توانایی های هسته ای موجب شده است که نظریه های امنیتی متفاوتی تدوین شود که به تبیین نقش این تسلیحات در تأمین و تولید امنیت پرداخته و دکترین های امنیتی، نظامی و دفاعی نیز فرموله شده است که حاوی راهکارهای متفاوتی برای آرایش امنیتی و استفاده احتمالی است. دکترین هسته ای که برای سالیان متمادی دکترین مسلط بر حوزه امنیت جهانی بوده است، بر مبنای «توانایی وارد آوردن ضربه نخست»^۳ و نتایج نامعلوم و احتمالاً معدوم شدن دولت های درگیر قرار دارد. این عدم اطمینان از پیامدها، موجب می شود که کشورهای دارای سلاح هسته ای آنها را علیه یکدیگر استفاده نکنند و با تدابیری چون «هشدار زودهنگام»^۴ «خط قرمز» یا تلفن مستقیم رهبران^۵ و غیره احتمال حمله هسته ای را کاهش دهند. دکترینی که اکنون دیدگاه غالب است، «مد»^۶ (نابودی قطعی طرفین) نامیده می شود و بر نابودی مسلم طرف استفاده کننده اولیه از سلاح تکیه می کند؛ زیرا طرف مقابل از

1. Threat Perceptions
2. Non Proliferation Treaty (NPT)
3. First Strike Capability
4. Early Warning system
5. Hot Line s
6. Mutually Assured Destruction(MAD)

«توانایی وارد آوردن ضربه دوم»^۱ برخوردار است و می‌تواند پس از مورد اصابت قرار گرفتن توسط سلاح‌های هسته‌ای، طرف مقابل را نابود کند؛ بنابراین دولت‌ها که بازیگران عاقل محسوب می‌شوند از این سلاح‌ها استفاده نمی‌کنند زیرا نابودی خود را حتمی می‌دانند. دکترینی که اکنون مورد بحث سیاست‌گذاران و اندیشمندان حوزه امنیت جهانی قرار دارد گونه جدیدی از دکترین «ابتکار دفاع استراتژیک»^۲ است (رجوع شود: هادیان، هرمزی، ۱۳۸۹).

در سال ۱۹۷۵ ایالات متحده آمریکا نخستین سیستم دفاع موشکی خود را با نام سیف گارد^۳ در داکوتای شمالی ایجاد کرد. با به‌کار بردن کلاهک هسته‌ای کوچک در آن، نیروی دریایی ورود آن به فاز عملیاتی را اعلام و اندکی بعد کنگره بلافاصله آن را تعطیل کرد. در سال ۱۹۸۳ رونالد ریگان بار دیگر با اعلام «ابتکار دفاع استراتژیک» مباحثات دفاع موشکی را مطرح کرد. ریگان در صدد بود تا از طریق «ابتکار دفاع استراتژیک»، ایالات متحده آمریکا را در برابر حملات هسته‌ای گسترده شوروی مصون نگاه دارد و موشک‌های بالستیک آنها را ناتوان و ناکارآمد سازد. در آن زمان «ابتکار دفاع استراتژیک» به‌عنوان دفاعی چندلایه که قادر به بازداشتن موشک‌های بالستیک در تمام مراحل پرواز است معرفی شد (Van Hook: 2002). این استراتژی برخلاف دکترین پیشین خود یعنی دکترین «مد» که معطوف به استراتژی تهاجمی بود، بیشتر بر استراتژی دفاعی تمرکز داشت. سازمان دفاع استراتژیک^۴ در سال ۱۹۸۴ در وزارت دفاع ایالات متحده تأسیس شد. این ابتکار به‌عنوان طرحی غیرواقعی و غیرعلمی به‌شدت از سوی مجامع سیاسی و علمی مورد انتقاد قرار گرفت تا حدی که به تمسخر آن را جنگ ستارگان^۵ می‌نامیدند (Fitzgerald: 2001). در سال ۱۹۹۳ و در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون، این نهاد به سازمان دفاع موشک بالستیک^۶ تغییر نام داد که بیشتر از آنکه بعد جهانی را مد نظر داشته باشد

1. Second Strike Capability
2. Strategic Defence Initiative (SDI)
3. Safeguard
4. Strategic Defense Initiative Organization (SDIO)
5. Star War
6. Ballistic Missile Defense Organization (BMDO)



پوشش منطقه‌ای را دنبال می‌کرد.

دکترین «ابتکار دفاع استراتژیک» اگرچه مدعی است که این ابتکار از ماهیت دفاعی برخوردار است، اما در تحلیل نهایی بیشتر به کارکرد تهاجمی نزدیک است و به دور جدیدی از مسابقه تسلیحاتی دامن می‌زند، زیرا قدرت‌های دیگر را به گسترش کمی و کیفی ناوگان موشکی خود به‌منظور نفوذ در سپر دفاعی طرف مقابل ترغیب می‌کند.

دفاع موشکی و بازدارندگی هسته‌ای

در دکترین هسته‌ای جدید ایالات متحده که با گزارش «بازنگری وضعیت هسته‌ای» انتشار یافته است، بسیار بر سیستم دفاع موشکی به‌عنوان عاملی برای بازدارندگی هسته‌ای تکیه و تأکید می‌شود که می‌تواند تا اندازه‌ای «شکاف بازدارندگی»^۱ ناشی از کاهش سلاح‌های هسته‌ای را پر کند (NPR, 2010).

با فروپاشی شوروی، دیگر روسیه تهدیدی جدی برای امنیت و موجودیت آمریکا محسوب نمی‌شد؛ بنابراین دولتمردان ایالات متحده چنین نتیجه گرفتند که می‌توان به‌سمت کاهش سلاح‌های هسته‌ای حرکت کرد و از این‌رو معاهده کاهش تسلیحات استراتژیک موسوم به «استارت»^۲ در سال ۱۹۹۱ منعقد شد. این معاهده هرچند در دسامبر ۲۰۰۹ منقضی شد، اما بار دیگر دو کشور برای امضای معاهده جدید گفت‌وگوهای فشرده‌ای را برگزار کردند. امروزه و در ادامه حرکت یادشده و با توجه به شرایط جدید محیط نظام بین‌الملل، دولتمردان آمریکا ادعا می‌کنند که کشور کمتر احساس نیاز به سلاح هسته‌ای دارد و به‌عبارت دیگر «تغییر تهدیدات» ناشی از محیط نوین نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد، «تغییر اولویت‌ها» را برای آمریکا ایجاد کرده است.

بحث کاهش تسلیحات هسته‌ای آمریکا و تأکید بر سلاح‌های متعارف از جمله سیستم دفاع موشکی و نقش آن در بازدارندگی هسته‌ای انتقادات بسیاری را در پی داشته است. بسیاری بر این باورند که اساساً الف) کاهش تسلیحات هسته‌ای

1. Deterrence Gap

2. START

«شکاف بازدارندگی» ایجاد نمی‌کند که نیاز به پرکردن آن باشد و ب) دفاع موشکی اساساً نمی‌تواند بازدارندگی هسته‌ای ایجاد کند و یا دست‌کم نقش قابل ملاحظه‌ای در آن ندارد.

استدلال‌های طرح شده در این مورد را می‌توان در دو محور زیر خلاصه کرد:

۱. حتی با وجود تصویب استارت جدید و الزام امریکا و روسیه، هر کدام به کاهش ۱۵۵۰ کلاهک هسته‌ای، باز هم هزاران سلاح هسته‌ای در ذخایر تسلیحات هسته‌ای آنها باقی می‌ماند. این درحالی است که نمی‌توان به صراحت اعلام کرد که چه تعداد سلاح هسته‌ای در محاسبات دشمن می‌تواند موجب بازدارندگی شود. در واقع در بازدارندگی هسته‌ای برخورداری از سلاح هسته‌ای به مراتب مهم‌تر از برخورداری از تعداد مشخصی از سلاح هسته‌ای است. به گفته جفری لوئیس^۱، رئیس بخش ابتکار عدم اشاعه و استراتژی هسته‌ای،^۲ در بنیاد امریکای نو،^۳ «دشمنی که می‌تواند بازداشته شود، با چشم‌انداز حمله متقابل بازداشته خواهد شد، حتی اگر طرف مقابل تنها تعدادی سلاح هسته‌ای داشته باشد. به عبارت دیگر وجود تسلیحات هسته‌ای بیشتر از سطحی از حداقل، تنها بازدارندگی اضافی اندکی را ایجاد می‌کند» (G. Lewis, 2008).

با این استدلال برخلاف آنچه در گزارش «بازنگری وضعیت هسته‌ای» آمده است، کاهش تسلیحات هسته‌ای اساساً «شکاف بازدارندگی» ایجاد نمی‌کند که نیازی به پر کردن آن باشد و دشمنی که قرار است بازداشته شود، همچنان با چشم‌انداز حمله متقابل بازداشته خواهد شد.

۲. با فرض تغییر وضعیت بازدارندگی هسته‌ای امریکا در نتیجه کاهش ذخایر هسته‌ای آن، دفاع موشکی نمی‌تواند جایگزینی برای آن باشد، زیرا دفاع موشکی بازدارندگی هسته‌ای ایجاد نمی‌کند.

هدف دفاع موشکی «دفاع» است و دشمن تنها به دلیل وجود دفاع موشکی از انجام حمله هسته‌ای بازداشته نمی‌شود. اگر دشمن تا آن اندازه غیرعقلانی و انتحاری رفتار

-
1. Jeffrey Lewis
 2. Nuclear Strategy and Nonproliferation Initiative
 3. New America Foundation

می‌کند که تهدید حملات هسته‌ای تلافی‌جویانه را در محاسبات خود نمی‌گنجانند، مسلماً دفاع موشکی نمی‌تواند برای آن ایجاد بازدارندگی کند. گزارش «بازنگری وضعیت هسته‌ای» به‌سادگی دو نوع بازدارندگی را جمع کرده است و باز دارندگی تلافی‌جویانه^۱ را با بازدارندگی دفع‌کننده^۲ هم‌ردیف کرده است، حال آنکه این دو در میزان ایجاد بازدارندگی تفاوت بسیار دارند. به بیان دیگر اگر دشمن وادار می‌شود تا در به‌کارگیری سلاح هسته‌ای دوباره تأمل کند، این امر ناشی از هراس آن از اقدام تلافی‌جویانه طرف مقابل است (بازدارندگی تلافی‌جویانه) و توان دافعه نسبی طرف مقابل (بازدارندگی دفع‌کننده) به طور یقین دشمن را از این کار منصرف نخواهد کرد. نسبت این دو بازدارندگی همان‌گونه که **توماس شلینگ** بدان اشاره می‌کند چنین است: «افزودن بازدارندگی دفع‌کننده» به «بازدارندگی تلافی‌جویانه» همچون افزودن یک رشته نخ‌افزافه به زنجیر کشنده هواپیما است» (Schelling, 1960).

به نظر می‌آید که در مورد توانایی بازدارندگی سیستم دفاع موشکی تا اندازه‌ای مبالغه می‌شود. در گزارش بازنگری دفاع موشکی بالستیک^۳ در فوریه ۲۰۱۰ چنین آورده شده است که: «ایالات متحده در حال حاضر در برابر حمله موشک‌های بالستیک قاره‌پیما^۴ مصون است و دلیل آن سرمایه‌گذاری است که در دهه گذشته بر سیستم دفاع موشکی انجام شده است» (BMDR, Report, 2010).

این درحالی است که هیچ‌یک از گونه‌های سیستم دفاع موشکی چه دریایی و چه زمینی در شرایط واقعی، آزمایش نشده‌اند. از این رو به باور برخی کارشناسان، گزارش‌هایی که حاوی اظهاراتی بزرگ‌نمایی شده از توان بازدارندگی سیستم دفاع موشکی هستند، درنهایت به گمراه کردن رهبران نظامی و سیاسی می‌انجامد. کارکرد بازدارندگی هسته‌ای دفاع موشکی^۵ از سوی بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران، محل تردید جدی قرار دارد. برخی بر این باورند که کارویژه اصلی

-
1. Reprisal Deterrence
 2. Denial Deterrence
 3. ICBM (Intercontinental Ballistic Missile)
 4. BMDR (Ballistic Missile Defense Review)
 5. Missile Defense (MD)

دفاع موشکی نه بازدارندگی بلکه مربوط به زمانی است که بازدارندگی با شکست مواجه شده است. در واقع دفاع موشکی به دنبال شکست بازدارندگی ابزاری ضروری محسوب می‌شود (Ikegami, 2003: 5). چنانچه برخورداری کشوری از سلاح هسته‌ای به هر دلیل موجب بازدارندگی برای دشمن نشود و با این وجود مبادرت به آغاز جنگ کند، دفاع موشکی تنها در حکم دفع حمله کاربرد خواهد داشت؛ بنابراین به نظر می‌رسد که کمتر می‌توان به نقش بازدارندگی هسته‌ای سیستم دفاع موشکی تکیه کرد.

اما روی دیگر سکه پیامدهای استقرار چنین سیستمی است. سیستم دفاع موشکی چنان‌که گفته شد برای دشمنان و رقبا نمی‌تواند بازدارندگی هسته‌ای جدی ایجاد کند اما می‌تواند آنها را نسبت به تجهیز و ارتقاء سطح توان نظامی و تلاش برای تولید جنگ‌افزارهای نوین، ترغیب و تحریک کند. در ادامه این پیامدها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

پیامدهای دفاع موشکی و اشاعه تسلیحات

حامیان تقویت سیستم دفاع موشکی امریکا معتقدند این سیاست باعث کاهش تولید موشک‌های بالستیک می‌شود، چنان‌که در گزارش بازنگری دفاع موشکی بالستیک آمده است که «ایالات متحده امریکا با حمایت متحدان خود سعی دارد تا محیطی را فراهم آورد که در آن از برخورداری و استفاده از موشک‌های بالستیک از سوی دشمنان منطقه‌ای جلوگیری شود. با بی‌اثر ساختن حملات موشکی، در واقع موشک‌های بالستیک دشمنان بی‌ارزش می‌شود» (BMDR Report, 2010).

این استدلال که به دلیل وجود سیستم دفاع موشکی، اشاعه تسلیحات نیز کاهش می‌یابد فاقد توجیحات عقلانی و شواهد تجربی کافی است. نکته حائز اهمیت در این میان آن است که کشورها تنها به منظور حمله هسته‌ای به توسعه موشک‌های بالستیک نمی‌پردازند بلکه بسیاری از کشورها فناوری موشک‌های بالستیک متعارف را تنها با هدف کسب و حفظ پرستیژ و اعتبار و یا ملاحظات منطقه‌ای به‌کار می‌گیرند؛ بنابراین چه در صورت وجود یک سیستم دفاع موشکی و چه در غیاب آن، این کشورها همچنان به تقویت و ارتقاء فناوری موشک‌های بالستیک خود

خواهند پرداخت.

بنابراین در بخش پیامدهای استقرار سیستم دفاع موشکی، این سیستم نه تنها باعث کاهش اشاعه تسلیحات نمی‌شود بلکه به گسترش آن دامن می‌زند. دلایل زیر در این راستا قابل طرح است:

۱. تحریک دشمنان و رقبای اصلی

به دنبال استقرار سیستم دفاع موشکی، دشمنان و رقبای برای تقویت توانایی موشکی و ارتقاء فناوری آن به گونه‌ای که قادر به عبور از سپر دفاع موشکی شود تحریک می‌شوند. به طور مشخص چین و روسیه در قبال این برنامه بی‌واکنش نخواهند بود. گزارش کمیسیون آرایش استراتژیک^۱ در امریکا خاطر نشان می‌کند که، «چین ممکن است در حال حاضر و در نتیجه ارزیابی خود از برنامه دفاع موشکی امریکا، مشغول افزایش موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای خود به عنوان پاسخی به سیستم دفاع موشکی باشد» (America's Strategic Posture, 2009).

همچنین روسیه ملاحظات جدی در مورد استمرار برنامه سیستم دفاعی موشکی امریکا در اروپا دارد و این برنامه می‌تواند تمام موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای پایگاه‌های روسیه در غرب نواحی اورال مرز در میان اروپا - آسیا - را به حالت آماده‌باش در آورد (Lewis and Pistol, 2007).

۲. تحریک حلقه‌های پیرامونی دشمنان و رقبای اصلی

با تحریک و برانگیختن دشمنان و رقبای اصلی امریکا و تلاش آنها برای افزایش و ارتقاء توان موشکی خود در برابر سیستم دفاع موشکی امریکا، همسایگان، رقبای و دشمنان حلقه نخست (دشمنان و رقبای اصلی امریکا) نیز برداشت تهدید کرده و به تقویت نیروی نظامی خود خواهند پرداخت. در واقع تسری برداشت تهدید و اقدام به تقویت نظامی، در حرکتی دومینووار قابلیت دربرگیری شمار قابل ملاحظه‌ای از کشورها را دارد. به عنوان مثال هند در حال حاضر برنامه‌های آزمایشی دفاع موشکی را اجرا می‌کند و به راحتی می‌توان تصور کرد که پاکستان در مقابل اجرای چنین

برنامه‌هایی بی‌واکنش نخواهد بود. این برنامه هند می‌تواند به تلاش‌های پاکستان برای تولید موشک و تسلیحات هسته‌ای بیشتر - در نتیجه وجود این برداشت که هند مجهز به سیستم دفاع موشکی است - مشروعیت دهد.

۳. بازگشت جریان تحریک به نقطه آغازین

به دنبال تحریک دشمنان و رقبای اصلی ایالات متحده به تقویت توان موشکی و نظامی در پاسخ به سیستم دفاع موشکی و همچنین برانگیخته شدن حلقه‌های پیرامونی آنها، طیف قابل ملاحظه‌ای از کشورها تجهیز و تقویت توان موشکی و افزایش تولیدات نظامی را در دستورکار خود قرار می‌دهند. دامنه و فراگیری این مسئله احتمال تجدیدنظر در سیاست‌های نظامی و دفاعی سرحلقه تحریک - امریکا - را افزایش می‌دهد و این مسئله می‌تواند اشاعه تسلیحات را گسترده‌تر سازد؛ بنابراین سیستم دفاع موشکی نه تنها از اهمیت تسلیحات هسته‌ای نمی‌کاهد بلکه حتی می‌تواند منجر به افزایش آن در سطح جهانی شود.

۴. اشاعه تسلیحات، پاسخی به افزایش بی‌ثباتی

توسعه سیستم‌های دفاع موشکی می‌تواند به تعمیق بی‌ثباتی در سیستم جهانی بینجامد و بازیگران آن را در نتیجه دریافت بی‌ثباتی از سیستم به سمت تقویت توان نظامی سوق دهد. استراتژی‌های هسته‌ای یک کشور هم دارای پیامدهای قابل پیش‌بینی و نیز غیرقابل پیش‌بینی برای سایر کشورها است. ورودی یک سیستم بر وضعیت آن سیستم تأثیرگذار است و زمانی که تسلیحات هسته‌ای حتی با هدف بازدارندگی وارد سیستم می‌شود، وضعیت ثبات آن سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع بازدارندگی هسته‌ای هیچ‌گاه یک سیستم باثبات به حساب نمی‌آید. همان‌گونه که گفته شد، از آنجاکه استراتژی‌های هسته‌ای کشورهای برخوردار از سلاح هسته‌ای در بردارنده پیامدهای روشن و مبهم برای سایر بازیگران است، ثبات سیستم در نتیجه این ورودی کاهش می‌یابد. همانند سلاح هسته‌ای اما در سطحی دیگر، ورود سامانه‌های دفاع موشکی نیز ثبات سیستم را متأثر می‌سازد و سایر اجزای سیستم را به واکنش وامی‌دارد. جهان امروز بسیار پیچیده‌تر از آن است که کشور A با تمسک به برخورداری از سلاح هسته‌ای تنها برای کشور B بازدارندگی

ایجاد کند. فضای سیاسی، امنیتی و نظامی ایجاد شده بین دو کشور، دیگر بازیگران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به موازات آنکه کشورهای بیشتری به تولید تسلیحات هسته‌ای بپردازند، ابهام و تردید بیشتری به سیستم وارد می‌شود. به همین ترتیب ورود سامانه‌های دفاع موشکی نیز بی‌ثباتی بیشتری را وارد سیستم می‌سازد. هنگامی که ایالات متحده تلاش می‌کند خود را در برابر تهدیداتی که حتی برخی از آنها از جمله مقابله با تهدیدات از سوی ایران در حد ادعا باقی مانده است با استراتژی دفاع موشکی مصون نگاه دارد، بی‌ثباتی و فشار بیشتری را به سیستم وارد می‌کند. ابهام بیشتر، کشورها را به تجهیز بیشتر ترغیب می‌کند. در واقع مشکل اساسی در دریافت‌ها^۱ و سوءدریافت‌های^۲ احتمالی است که در نتیجه استقرار سیستم دفاع موشکی آمریکا به وجود می‌آید و خواهد آمد (Krieger, 2001).

۵. احتمال برداشت تهاجمی به جای برداشت تدافعی

هرچند هدف ایجاد سپر دفاع موشکی از سوی کشور برپاکنده آن صرفاً وظیفه دفاع در برابر تهاجمات و ایجاد بازدارندگی عنوان می‌شود اما برداشت سایر کشورها و به ویژه کشورهایی که مخاطب این سیستم قلمداد می‌شوند لزوماً برداشتی «تدافعی» نیست؛ به عبارت دیگر دریافت آنها از استقرار و تقویت چنین سیستمی می‌تواند «تهاجمی» باشد. از آنجاکه برداشت از واقعیت، بیشتر از خود واقعیت می‌تواند تأثیرگذار و تعیین کننده باشد، لذا برداشت وجود سپر دفاع موشکی که علاوه بر نقش تدافعی می‌تواند کارکرد «سپر تهاجمی»^۳ نیز داشته باشد، عاملی برای تقویت و تکثیر توان و تسلیحات نظامی محسوب می‌شود (Krieger, 2001: 2).

دولت‌ها برای حفظ بقای خود معمولاً میان «استراتژی تهاجمی»^۴ و «استراتژی تدافعی»^۵ دست به انتخاب می‌زنند، انتخاب این استراتژی‌ها منجر به اتخاذ

1. Perceptions
2. Misperceptions
3. Offensive Shield
4. Offensive Strategy
5. Defensive strategy

«استراتژی متقابل تهاجمی»^۱ و «استراتژی متقابل دفاعی»^۲ می‌شود. بر این اساس زمانی که کشوری سیستم دفاع موشکی خود را در قالب یک استراتژی دفاعی برقرار می‌سازد، گروهی از کشورها که خود را مخاطب این استراتژی می‌یابند در نتیجه احساس ناامنی به اتخاذ استراتژی متقابل دفاعی روی می‌آورند. استراتژی متقابل دفاعی مستلزم تولید جنگ‌افزارهای بیشتر و حتی تا آن اندازه پیشرفته است که بتواند سیستم دفاعی طرف مقابل را نفوذپذیر سازد. بر این اساس استراتژی متقابل دفاعی با توجه به توان سیستم دفاع موشکی مستقر شده یا در حال استقرار، هم تعداد و هم کیفیت تسلیحات را در نظر خواهد داشت.

برآیند کلیه پنج مورد یادشده در نهایت به مسابقه تسلیحاتی دامن خواهد زد؛ امری که می‌تواند به گسترش بی‌ثباتی و ناامنی، هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح جهانی دامن زند و درجه پیش‌بینی‌پذیری و کنترل وقایع و بحران‌های برخاسته از آن را کاهش دهد.

استراتژی ایالات متحده؛ تدافعی یا تهاجمی

اگر سیستم دفاع موشکی با سیاست‌هایی چون کاهش توانمندی‌های تهاجمی همراه و ترکیب شود (همانند معاهده استارت) این امید وجود دارد که جریان خلع سلاح تسهیل شده و در نهایت احتمال تبدیل آرایش تهاجمی^۳ به آرایش دفاعی^۴ تقویت شود. در واقع مانند یک مثل قدیمی انگلیسی که «حصار خوب، همسایگان خوب می‌آورد»، تأکید بر آرایش دفاعی نیز تحت شرایطی می‌تواند نتایج مطلوبی به‌بار آورد (Quester, 1986: 241). اما در حال حاضر و با تمهیدات ایالات متحده امریکا در استقرار سپر دفاع موشکی این تلقی وجود دارد که این سیستم می‌تواند یک سیستم تهاجمی باشد که با دیگر توانایی‌های تهاجمی امریکا ترکیب شده است. این استدلال، دفاع موشکی را عاملی بی‌ثبات‌ساز^۵ تلقی می‌کند که حتی می‌تواند آغازگر

1. Counter – Offensive Strategy
2. Counter – Defensive Strategy
3. Offensive Posture
4. Defensive – Posture
5. De – Stabilizing



بحران موشکی باشد (Ikegami, 2003: 7).

نکته در اینجا است که ایالات متحده ضمن آنکه سخن از کاهش تسلیحات هسته‌ای به میان می‌آورد، در حال گسترش و تولید گونه‌های متفاوتی از تسلیحات است که به اصطلاح «شکاف» ایجاد شده در نتیجه این کاهش را پر کند. از جمله پنتاگون در حال انجام برنامه‌ای با عنوان «حمله جهانی سریع»^۱ است که موشک‌هایی با کلاهک‌های متعارف را شامل می‌شود که قادرند در کمتر از یک ساعت هر نقطه‌ای از جهان را مورد اصابت قرار دهند. این برنامه نیز از سوی مقامات نظامی آمریکا در راستای هدف بازدارندگی در برابر دشمنان و شبکه تروریستی عنوان می‌شود. این برنامه که دست‌کم تا سال ۲۰۱۵ طول خواهد کشید، از حمایت دولت اوپاما برخوردار است و یکی از شاخه‌های طیف تسلیحات تهاجمی و تدافعی که می‌تواند در نهایت جایگزین تسلیحات هسته‌ای گردد، تلقی می‌شود. دولت از کنگره برای سال آینده این برنامه درخواست ۲۴۰ میلیون دلار کرده است که ۴۵ درصد از بودجه کنونی آن بیشتر است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۵ به مجموع ۲ میلیارد دلار برسد (www.whitehouse.gov, 2010).

جو بایدن، معاون باراک اوپاما می‌گوید «توانایی‌هایی مانند سپر دفاع موشکی، کلاهک‌های متعارف با برد جهانی ما را قادر می‌سازد تا از نقش تسلیحات هسته‌ای بکاهیم... با این توانایی‌های مدرن حتی با کاهش بیشتر تسلیحات هسته‌ای، آمریکا بدون تردید قدرتمند باقی خواهد ماند» (www.whitehouse.gov, 2010). بنابراین آمریکا استقرار سیستم دفاع موشکی را در حالی به‌عنوان یک «استراتژی تدافعی» پیگیری می‌کند که هم‌زمان به تولید و تقویت طیف گوناگونی از تسلیحات متعارف مدرن با توانایی‌های بالا می‌پردازد. این همان چیزی است که دریافت کشورها از دفاع موشکی آمریکا را از حالت صرفاً تدافعی خارج می‌سازد و برداشت تهدید، ناامنی و بی‌ثباتی را پررنگ می‌کند.

ایالات متحده آمریکا تقویت توان فناوری نظامی تولید سلاح‌های متعارف جدید با قابلیت‌های بالا را در کنار سیستم دفاع موشکی برای پر کردن خلاء امنیتی

ناشی از کاهش تسلیحات هسته‌ای ضروری می‌داند. انتشار گزارش «بازنگری وضعیت هسته‌ای» و قصد امریکا برای کاهش تسلیحات هسته‌ای خود، از دید طیفی از کارشناسان ایالات متحده اقدامی برای تضعیف قدرت کشور تلقی می‌شود. به باور این گروه حتی استقرار سیستم‌های دفاع موشکی نیز نخواهد توانست این خلاء را پر کند. دولت امریکا در برابر این انتقادات، تولید تسلیحات متعارف مدرن را در کنار سیستم دفاع موشکی، ترکیبی مکمل می‌داند که قادر است خطرات و تهدیدات احتمالی ناشی از کاهش تسلیحات هسته‌ای را تخفیف دهد و یا از میان بردارد.

رفتار امنیتی - نظامی ایران در قبال استقرار سیستم دفاع موشکی

ایالات متحده امریکا یکی از اهداف تقویت سپر دفاع موشکی خود در اروپا را مقابله با حمله احتمالی ایران مطرح می‌کند. این درحالی است که بسیاری از کارشناسان بر این باورند که حتی در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، این کشور هیچ‌گاه از آن در مسیری انتحاری و با آغاز حمله استفاده نخواهد کرد. یک مطالعه انجام شده توسط دانشگاه دفاع ملی^۱ چنین ادعا می‌کند که خواست ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای به دلیل احساس «انزوای استراتژیک»^۲ است و همچنین وجود این باور که برخورداری از سلاح هسته‌ای می‌تواند به رژیم مشروعیت، عزت و حفاظت بدهد» (Yaphe and Lutes, 2005). برخی از کارشناسان معتقدند سیستم دفاع موشکی امریکا در اروپا - با فرض دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای - نمی‌تواند نقش بازدارندگی ایفا کند و همواره تهدید احتمال نفوذ حتی یک موشک بالستیک هسته‌ای از سوی ایران، به قوت خود باقی خواهد ماند (Butt, 2010: 2).

فارغ از اینکه ادعاهای مطرح شده علیه ایران تا چه اندازه می‌تواند قرین واقعیت باشد یا نباشد، این پرسش مطرح است که استقرار چنین سیستمی چه تأثیری می‌تواند بر رفتار امنیتی - نظامی ایران بگذارد؟ مرحله نخست پاسخ به این پرسش در گرو مختصات برداشت ایران از الف) استراتژی طرف مقابل و ب) فضای ایجاد شده به دنبال آن استراتژی است. به بیان دیگر ایران استراتژی طرف مقابل را

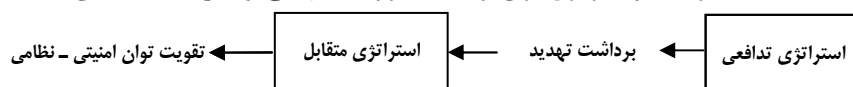
1. National Defense University

2. Strategically Isolated

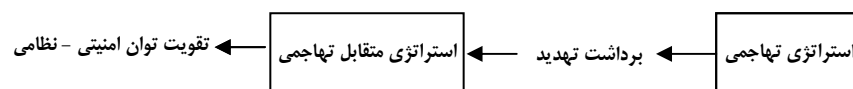
چگونه تفسیر و ترجمه می‌کند؟ آیا آن را با عنوان استراتژی تدافعی ترجمه می‌کند و یا استراتژی تهاجمی و در هر حالت فضای ایجادشده پیرامون امنیت خود را تهدیدزا تلقی می‌کند یا خیر. مرحله دوم معطوف به استراتژی است که ایران در نتیجه پاسخ‌های مرحله نخست اتخاذ می‌کند.

ادعای مطرح در این مورد آن است که استراتژی طرف مقابل چه تدافعی باشد چه تهاجمی موجب ایجاد فضای تهدید پیرامون امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌شود و رفتار امنیتی - نظامی ایران را به سمت اتخاذ «استراتژی متقابل دفاعی» یا «استراتژی متقابل تهاجمی» سوق می‌دهد که هر دو استراتژی مستلزم تقویت توان امنیتی نظامی کشور - هر چند سطوح متفاوت - است.

شکل ۱. برداشت و استراتژی ایران در قبال استقرار سیستم دفاع موشکی با هدف تدافعی



شکل ۲- برداشت و استراتژی ایران در قبال استقرار سیستم دفاع موشکی با هدف تهاجمی



به عبارت دیگر برداشت ایران از استقرار سیستم دفاع موشکی امریکا چه با هدف تدافعی و بازدارندگی و چه با هدف تهاجمی، یکی است و آن تهدید علیه امنیت کشور است. استقرار سیستم دفاع موشکی از سوی ایالات متحده امریکا هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم عاملی تحریک‌کننده برای ایران محسوب می‌شود. در واقع علاوه بر اینکه استقرار این سیستم به خودی خود عامل محرک تلقی می‌شود، پیامدهای آن که مشتمل بر تجهیز همسایگان و حلقه‌های پیرامون ایران است نیز به صورت غیرمستقیم بر خط تحریک بار می‌شود و در مجموع ضریب تهدید علیه ایران را افزایش می‌دهد.

با استقرار سیستم دفاع موشکی امریکا برداشت «استراتژی تهاجمی» از سوی ایران به دلایلی از جمله موارد زیر، پررنگ‌تر از «استراتژی تدافعی» است:

الف - اجرای همزمان پروژه‌های کلان تسلیحات مدرن از سوی امریکا در کنار استقرار سیستم دفاع موشکی، ایالات متحده امریکا در حال اجرای پروژه‌های

کلان تسلیحات مدرن است. تقویت توان فناوری نظامی و تولید سلاح‌های مدرن هرچند متعارف، بدین سبب که در سطحی کلان و با اختصاص بودجه و منابع فراوان در دست اجرا است، کفه ترازو را به سمت احتمال کاربست سیاست‌های تهاجمی سنگین می‌کند و باورپذیری این امر را که سیستم دفاع موشکی، تنها معطوف و متمرکز بر سیاست‌های تدافعی است دشوار می‌سازد؛ بنابراین در مجموع برای جمهوری اسلامی ایران، استقرار سیستم دفاع موشکی در قالب استراتژی تهاجمی از سوی ایالات متحده امریکا بیش از استراتژی تدافعی باورکردنی است. با آنکه برداشت ایران از هر دو استراتژی تدافعی و تهاجمی، تهدید است، اما استراتژی که در قبال آنها اتخاذ می‌کند متفاوت است. در مقابل «استراتژی تهاجمی»، «استراتژی متقابل تهاجمی» و در مقابل «استراتژی تدافعی»، «استراتژی متقابل تدافعی» قرار می‌گیرد. هرچند اتخاذ هر یک از این دو به معنای لزوم تقویت توان امنیتی - نظامی است اما «استراتژی متقابل تهاجمی» در قیاس با «استراتژی متقابل تدافعی»، نیازمند تخصیص منابع بیشتر و گسترده‌تر می‌باشد. از آنجاکه براساس استدلال‌های یادشده، دریافت اتخاذ «استراتژی تهاجمی» از سوی ایالات متحده در پی استقرار سیستم دفاع موشکی برای ایران قوی‌تر است لذا این اقدام امریکا، ایران را به سمت استراتژی متقابل آنچه دریافت می‌کند یعنی «استراتژی متقابل تهاجمی»، بیشتر سوق می‌دهد. در این راستا برای مقابله با تهدیدی که علیه امنیت کشور تلقی می‌شود، اختصاص منابع مادی و غیرمادی در سطحی که در قالب استراتژی متقابل تهاجمی و نه استراتژی متقابل تدافعی بگنجد، در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین رفتار امنیتی - نظامی ایران در برابر استقرار سیستم دفاع موشکی امریکا، واکنشی است به استراتژی که بسترساز این اقدام شده است. در واقع ایالات متحده امریکا با این اقدام با وجود آنکه اعلام می‌دارد که هدف بازدارندگی تدافعی و کاهش ضریب تهدید از جانب کشورهای چون ایران را دنبال می‌کند، اما در عمل موجب رفتار امنیتی - نظامی واکنشی می‌شود. این عمل و عکس‌العمل در مرحله نخست منجر به امنیتی شدن^۱ فضا و افزایش سطح تنش در روابط می‌شود و در مراحل بعد می‌تواند



پیامدهای منفی گسترده‌تری را به بار آورد.

ب - ضعف استدلال بازدارندگی هسته‌ای

امریکا در استقرار سیستم دفاع موشکی با ارائه تصویری تدافعی از این اقدام، چنین استدلال می‌کند که این سیستم می‌تواند جلوی تهدیدات موشکی احتمالی از سوی برخی کشورها از جمله ایران را بگیرد و همچنین عاملی بازدارنده برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای باشد. این استدلال به دلایل گوناگونی از سوی ایران بر پایه‌های سستی استوار است، به طوری که قصد مجری آن مبنی بر دفاع و بازدارندگی را پرشائبه می‌کند.

اساساً پیگیری برنامه هسته‌ای با هدف دستیابی به سلاح هسته‌ای، تعارضات امنیتی برای ایران به همراه دارد. دلایل و عوامل متعددی در توضیح عدم خواست و تلاش ایران برای برخورداری از سلاح هسته‌ای وجود دارد که از آن جمله موارد زیر قابل ذکر است:

۱. خطر بروز مسابقه تسلیحاتی

دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌تواند همسایگان ایران و سایر کشورهای منطقه را به پیمودن راهی مشابه ترغیب کند (Cordesman & Seitz: 2009). تلاش کشورهای منطقه برای برخورداری از سلاح هسته‌ای می‌تواند به جای حرکت در مسیر منطقه‌ای عاری از تسلیحات هسته‌ای، آن را به منطقه‌ای ناامن و برخوردار از زرادخانه‌های هسته‌ای تبدیل کند و موجب بروز مسابقه تسلیحاتی شود (Russell: 2010).

۲. از دست دادن برتری متعارف

در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و انجام اقدام مشابه از سوی کشورهای منطقه و همسایگان، برتری متعارف ایران که برخاسته از وجود عناصری چون برخی سلاح‌های متعارف، جمعیت، وسعت جغرافیایی، موقعیت ژئوپلیتیک و... است، کمرنگ خواهد شد.

۳. ظهور تروریسم هسته‌ای

علاوه بر خطر احتمال تلاش سایر کشورها برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، خطر

دستیابی گروه‌های افراطی و تروریست به این تسلیحات، تهدیدی مجزا و به‌مراتب خطرناک‌تر را به‌همراه دارد (Kellerhals: 2010). اگر ایالات متحده آمریکا با وجود فاصله جغرافیایی بسیار زیاد از محل استقرار القاعده و با داشتن تجهیزات پیچیده برای شناسایی این‌گونه تسلیحات در هراس است، واضح است که وجود القاعده یا سایر گروه‌های افراطی تروریست مجهز به تسلیحات هسته‌ای در مجاورت مرزهای جغرافیایی ایران، برای کشور خطری بزرگ‌تر و دفع آن واجب‌تر است. در واقع هم به لحاظ لجستیک و هم به لحاظ توجیحات ایدئولوژیک، امکان استفاده از تسلیحات هسته‌ای علیه ایران توسط گروه‌های افراطی بیشتر است (Alison: 2004).

۴. نهادینه کردن حضور آمریکا در منطقه

برخورداری ایران از سلاح هسته‌ای می‌تواند موجب احساس تهدید کشورهای کوچک منطقه از ایران و سوق دادن آنها به سمت نزدیکی بیشتر با ایالات متحده آمریکا شود. این امر می‌تواند موقعیت آمریکا در منطقه را تقویت و تثبیت کند. ممکن است کشورهای منطقه در نتیجه برداشت تهدید از ایران مجهز به تسلیحات هسته‌ای به سمت تشکیل ائتلاف‌های نظامی منطقه‌ای با و یا بدون آمریکا حرکت کنند (Cordesman: 2008).

۵. آسیب‌پذیری از ناحیه هزینه‌های تولید و نگهداری تسلیحات هسته‌ای

تولید و نگهداری سلاح‌های هسته‌ای، صرف هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای را به‌همراه دارد. صرف هزینه بالا در این بخش کاهش بودجه تخصیصی به سایر حوزه‌ها را به‌دنبال می‌آورد که می‌تواند ضمن کاهش توان بخش‌های دیگر، موجب تضعیف بنیه اقتصادی کل کشور شود.

۶. آسیب‌رسانی به روابط ایران با برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی

دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای می‌تواند روابط کشور با برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را متأثر سازد و موجب آسیب‌رسانی و تیرگی روابط شود. احساس تهدید و خطر از سوی ایران می‌تواند باعث تغییر مناسبات در برخی سطوح و حوزه‌ها شود (Warrick: 2010). کشورهای عضو شورای همکاری خلیج

(فارس)^۱ در نتیجه برداشت تهدید از ایران در اولویت‌های امنیتی، تجدید نظر کرده و به سمت خرید تسلیحات جدید و تقویت توان نظامی خود حرکت می‌کنند (Khaitous: 2008).

۷. آسیب‌پذیری از ناحیه تحمیل هزینه‌های سیاسی - اجتماعی و بین‌المللی

دستیابی به سلاح هسته‌ای علاوه بر تضعیف توان اقتصادی کشور، محدودیت‌ها و تحریم‌های بین‌المللی را نیز بر کشور تحمیل می‌کند (Security Council Resolutions and Statements: 2010). این امر از یک سو می‌تواند موجب نارضایتی‌های اجتماعی و داخلی و از سوی دیگر باعث افزایش پتانسیل منازعه در منطقه و احتمال تشدید فشارهای بین‌المللی شود (Council conclusions on Iran's nuclear programme: 2010). اعمال تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی در کنار ضعف اقتصادی داخلی با تحت تأثیر قرار دادن زندگی مردم می‌تواند فشارها را بر دولت ایران افزایش داده و کنترل شرایط و پیامدها را دشوار سازد (Clawson: 2008).

۸. مخالفت‌های داخلی

نقش و وزن مخالفان داخلی دستیابی به تسلیحات هسته‌ای در ایران قابل اغماض نیست. افراد، گروه‌ها و جریانات متفاوتی در بدنه حکومت و جامعه به‌عنوان اهرم فشار با دستیابی به تسلیحات هسته‌ای مخالفت می‌کنند که عبور از آنها برای حکومت دشوار و پرهزینه خواهد بود. گروه‌های متفاوتی در ایران وجود دارند که برخی از ضرورت برخورداری ایران از انرژی هسته‌ای و برخی از دستیابی به سلاح هسته‌ای حمایت می‌کنند؛ اما حامیان سلاح هسته‌ای در ایران در اقلیت هستند و اکثریت بدنه حکومت و جامعه با آن مخالفت می‌ورزند. فضای داخلی کشور و افکار عمومی اساساً پذیرای نگرش دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست و این عامل خود به‌مثابه مانعی پر قدرت به‌شمار می‌رود (هادیان: ۱۳۸۹).

۹. منع شرعی دستیابی به تسلیحات هسته‌ای

طبق تفاسیر ارائه‌شده از اسلام، تولید، ذخیره‌سازی و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای منع

شرعی دارد و لذا جمهوری اسلامی ایران اساساً به دلیل وجود مغایرت شرعی نمی‌تواند دستیابی به سلاح هسته‌ای را به عنوان هدف برنامه‌های هسته‌ای خود قرار دهد. براساس چنین تفاسیری از اسلام، تسلیحات کشتار جمعی در ایران حرام است. همچنین این مسئله که تحصیل سلاح‌های هسته‌ای مغایر آموزه‌های اسلامی است بارها از سوی رهبر جمهوری اسلامی به صراحت مطرح شده است: «به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم» (آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۸۹).

با توجه به موارد ذکر شده، اینکه برداشت ایران از استقرار سیستم دفاع موشکی از سوی ایالات متحده امریکا، بیشتر در قالب «استراتژی تهاجمی» تعریف شود تا «استراتژی تدافعی» چندان دور از منطق نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

با وجود تمرکز ایالات متحده امریکا بر سیستم دفاع موشکی و اعلام اینکه هدف از استقرار این سیستم ایجاد بازدارندگی است، به سختی می‌توان این ادعا را با واقعیت منطبق دانست. به عبارت دیگر قائل شدن نقش بازدارندگی صرفاً برای سیستم دفاع موشکی نه چندان با پشتوانه منطقی همراه است و نه به عنوان یک استراتژی تدافعی صرف از جانب ایالات متحده قابل پذیرش است. استقرار سیستم دفاع موشکی تنها اندکی ایجاد بازدارندگی می‌کند اما از سوی دیگر به دلیل آنکه رقبا و دشمنان به نوعی از دریافت تهدید، ناامنی و بی‌ثباتی می‌رسند و در صدد ارتقاء توان نظامی برمی‌آیند، به مسابقه تسلیحاتی دامن می‌زند که از پتانسیل سرایت دومینووار به سایر کشورها نیز برخوردار است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که با وجود آنکه کمتر می‌توان قائل به نقش بازدارندگی هسته‌ای برای سیستم دفاع موشکی شد، آیا می‌توان این تمهیدات را در



قالب استراتژی تدافعی طرح کرد؟ در پاسخ باید گفت به نظر می‌رسد پذیرش سیستم دفاع موشکی در متن یک استراتژی تدافعی نگاهی تقلیل‌گرایانه است. در واقع ایالات متحده آمریکا نیز ضمن آنکه سخن از کاهش تسلیحات هسته‌ای را به میان می‌آورد، دغدغه کاهش ضریب امنیتی و سطح قدرت خود را نه تنها با استقرار سیستم دفاع موشکی بلکه با مجموعه‌ای از طرح‌های نظامی در راستای تولید تسلیحات نوین متعارف جبران می‌کند. اجرای پروژه‌های سنگین نظامی با تأمین بودجه‌های کلان از سوی آمریکا استراتژی تدافعی ادعا شده به دنبال استقرار سیستم دفاع موشکی را در مجموع به نوع استراتژی تهاجمی نزدیک می‌کند. بر این اساس تمرکز ایالات متحده بر سیستم دفاع موشکی، در قالب عامل محرک مسابقه تسلیحاتی از یک سو و شکل‌گیری گونه‌ای جدید از استراتژی تهاجمی آمریکا تصویر می‌شود.

استقرار سیستم دفاع موشکی که آمریکا یکی از اهداف آن را مقابله با تهدیدات کشورهای چون ایران می‌داند، رفتار امنیتی - نظامی ایران را نیز به واکنش وامی‌دارد. چه استراتژی آمریکا در این اقدام تدافعی باشد - چنان‌که خود مدعی آن است - و چه تهاجمی، آنچه ایران و برخی از کشورها از آن برداشت می‌کنند، تهدید علیه امنیت کشور و راهکار آن اتخاذ استراتژی متقابل است. افزایش توان امنیتی و نظامی متناسب با تهدید پیش رو، در قالب استراتژی متقابل تهاجمی یا تدافعی، واکنشی به این اقدام ایالات متحده آمریکا است.

در نهایت باید گفت استقرار سیستم دفاع موشکی، با وجود ادعای مجریان آن نه تنها نقش بسیار اندکی در بازدارندگی هسته‌ای دارد بلکه اشاعه و مسابقه تسلیحات را دامن می‌زند و کشورهایی که به زعم آنان تهدیدزا تلقی می‌شوند را به سمت رفتار امنیتی - نظامی واکنشی و تلاش برای گسترش کمی و کیفی توان نظامی و تقویت سیاست‌های امنیتی سوق می‌دهد و ثبات، صلح و امنیت را به چالش می‌کشد.*

یادداشت‌ها

۱. اشاره به فیلم علمی - تخیلی مشهور «جنگ ستارگان»، ساخته‌شده در سال ۱۹۷۷ توسط جورج لوکاس



منابع

الف - فارسی

آیت الله خامنه‌ای، علی. ۲۸ فروردین ۱۳۸۹. *پیام رهبر انقلاب اسلامی به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه*، بازیابی ۴ مرداد ۱۳۸۹ از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای،

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9171>

هادیان، ناصر. ۱۳۸۹. «برنامه هسته‌ای ایران: تکثر دیدگاه‌ها و زمینه‌های گفتمانی»، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار، صص ۵۷-۶۰.

هادیان، ناصر و هرمزی، شانی. ۱۳۸۹. «برنامه هسته‌ای ایران: «توانایی قانونمند»»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۵، شماره ۳.

ب - انگلیسی

Butt, Yousaf. 8 May 2010. "The Myth of Missile Defense as a Deterrent", *Bulletin of the Atomic Scientists*.

<http://www.thebulletin.org>

G,Lewis, Jeffrey. July/August 2008. "Minimum Deterrence", *New America Foundation*.

Schelling, Thomas. 1960. *The Strategy of Conflict*, Cambridge: Harvard University Press.

Yaphe, Judith and D Lutes, Charles. 2005. "Reassessing the Implications of a Nuclear Armed Iran", *INSS Mc Nair Papers*.

Ballistic Missile Defense Review Report, Department of Defense. February 2010. *America's Strategic Posture, The Final Report of the Congressional Commission on the Strategic Posture of the United States*. 2009.

N.Lewis, George and Theodore A. Postal. 2007. "European Missile Defense: The Technological Basis of Russian Concerns", *Arms Control Association*.

<http://www.armscontrol.org>

Krieger, David. April, 2001. "Nuclear Age Peace Foundation.

Ikegami, Masako. 2003. "Missile Defense and Nuclear Deterrence in Pos-Cold War Regional Conflicts"

www.isodarco.it/cawrses/candviaio3/paper/candriaio3-/kegami.pdf

Quester, G.H. 1989. **The Future of Nuclear Deterrence**, D.C./Massachusetts/Toronto: Lexington Books.

Whilock, Craig. April 8, 2010. "U.S. Looks to Nonnuclear Weapons to Use as Deterrent", **The Washington Post**.

Nuclear Posture Review (NPR), Department Of Defense. April 6, 2010.

Cordesman, A., & Seitz, A. September 18, 2009. **Iranian Weapons of Mass Destruction; The Birth of a Regional Nuclear Arms Race. Center for Strategic & International Studies**.

Russell, Richard, Off and Running. 2010. "The Middle East Nuclear Arms Race", **JFQ**, issue 58, 3d quarter ndupress

http://www.ndu.edu/press/lib/images/jfq-58/JFQ58_94-99_Russell.pdf.

Kellerhals, M. D. 2010, February 16. **Concern Grows over Potential for Middle Eastern Nuclear Arms Race**. Retrieved July 27, 2010, from America. gov: <http://www.america.gov/st/peacesec-english/2010/February/20100216150832dmslahrellek0.8362543.html>.

Alison, Graham. 2004. **Nuclear terrorism: the Ultimate Preventable catastrophe**, Times books.

Cordesman, A. H. 2008, November 5. **Security Cooperation in the Gulf: Actions --Rather than Words and Good Intentions**, Retrieved July 30, 2010, from Center for Strategic & International Studies: http://csis.org/files/media/isis/pubs/081111_gulfcoopres.pdf

Warrick, J. 2010, January 31. **U. S. steps up arms sales to Persian Gulf allies**, Retrieved July 27, 2010, from Washington Post: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2010/01/30/AR2010013001477.html>.

Khaitous, Tariq. 2008. "Why Arab Leaders Worry About Iran's Nuclear Program", <http://www.thebulletin.org/web-edition/features/why-arab-leaders-worry-about-irans-nuclear-program>.

Security Council Resolutions and Statements. (n. d.). Retrieved July 27, 2010, from IAEA: http://www.iaea.org/NewsCenter/Focus/IaeaIran/sc_resolutions.shtml.

Council conclusions on Iran's nuclear programme. 2010, July 26. Retrieved July 27, 2010, from The Council of European Union: http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/docs/pressdata/EN/foraff/115968.pdf.

Clawson, Patrick. 2008. Sticks, carrots and nukes. In: <http://www.guardian.co.uk/commentisfree/2008>.

Van Hook, Maj Richard. 2002. "The National Missile Defense Debate in the Post 9-11 Context", research report, Maxwell AFB, AL: Air Command and Staff College.

Fitzgerald, Frances. 2001. **Way Out There in the Blue: Reagan, Star Wars and the End of the Cold War**, Simon & Schuster. ISBN 0-7432-0023-3.

<http://www.whitehouse.gov/the-press-office/remarks-vice-president-biden-national-defense-university> (February 18, 2010).